



## قرآن و اسوه

(تبيين آية شريفه: لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة ...)

مهدی کبیری

عضو حلقه علمی بیان / دانش پژوه دوره علوم و معارف قرآن / گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث

### چکیده

محور اصلی این نوشتار، واکاوی آیه شریفه «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة ...» است. ابتدا معنای لغوی واژه اسوه و کاربرد قرآنی آن مورد بررسی قرار گرفته است، سپس چرایی و ضرورت وجود الگو و تأسی و پیروی از پیامبر ﷺ از زوایای گوناگون تبیین شده است. پس از مقایسه اجمالی پیامبر گرامی اسلام ﷺ با سایر پیامبران الهی ایشان به عنوان برترین الگوی برگزیده قرآنی معرفی شده است. بایسته‌های پیروی از پیامبر، از بحث دیگر مباحث این نوشتار است. در پایان نمونه‌هایی از الگوهای قرآنی شایسته معرفی شده است.

**کلید واژه‌ها:** اسوه، ضرورت، حسنه، پیامبر ﷺ.

### مقدمه

بی‌تردید انسانی که پا بر این کره خاکی گذاشته و در آن زیسته، دو گونه است:

۱- انسان هادی؛ ۲- انسان هابط

انسان هابط، همان انسانی است که مورد خطاب «إهبطوا الى الارض» قرار گرفته و بر ظلمت کده زمین سقوط کرده است. انسانی که اگر رها شود در سرگردانی و

پریشانی خواهد ماند. اما این گونه نیست! چرا که انسانی با وجود خالص و از گونه‌ای دیگر، روشنای زمین گشته است. و او انسان هادی است؛ یعنی پیامبران و امامان معصوم (علیهم السلام).

نادانی طبیعی، اعتقادی، محیطی، فرهنگی، تاریخی و رفتاری، وجود انسان هابط را آن سان سخت مشوب و آلوده ساخته که اگر انسان هادی (الگوهای حقیقی و اسوه‌های الهی) دست او را نگیرد و روشنای راه او نشود، به یقین در مرداب جهل و ظلمت نابود خواهد شد.

از این جهت در این مقاله به تبیین آیه شریفه «و لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة...» می‌پردازیم و به پرسش‌های ذیل به صورت اجمالی پاسخ می‌دهیم.

۱- اسوه در قرآن کریم چه جایگاهی دارد؟

۲- تأثیر پذیری انسان از الگو چه اندازه است؟

۳- ضرورت ارائه الگو چیست؟ و...

### بررسی واژه اسوه

معنای لغوی: اسوه، واژه‌ای قرآنی است که در ترجمان فارسی آن واژه‌های الگو، مدل، نمونه، قهرمان، مثال، سرمشق، روبه‌رو، قدوه، مقتدی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup> اسوه، اسم ثلاثی مجرد است که معنای مصدری از آن فهمیده می‌شود.<sup>۲</sup> و هر چند در تفاسیر آن را به معنای مصدری گرفته‌اند؛<sup>۳</sup> اما مترجمان معاصر از ترجمه اسمی آن استفاده می‌کنند.<sup>۴</sup> این کلمه از ریشه (ا-س-و) و «اسا» به معنای مداوا، اصلاح،<sup>۵</sup> اندوه، مداوای جراحت و صبر<sup>۶</sup> آمده است.

۱۴۰

۱۴۰۳  
خرداد



۱. لغت نامه دهخدا، حرف الف.

۲. صافی، محمود؛ اعراب القرآن و حروفه و بیانه، ج ۲۱-۲۲، ص ۱۴۶.

۳. ر.ک: طباطبایی محمد حسین؛ المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۶، ص ۴۳۲؛ تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴۳.

۴. ر.ک: ترجمه‌های فارسی قرآن کریم.

۵. ابن فارسی، احد، معجم مقاییس اللغة، به کوشش عبد السلام محمد هارون، ج ۱، ص ۱۰۵.

۶. ابن منظور، لسان العرب، به کوشش علی شیری، ج ۱، ص ۱۴۶.



واژه «اسوه» در لغت به معنای سرمشق، پیشوا،<sup>۱</sup> آنچه بدان، شخص اندوهگین تسلی یابد،<sup>۲</sup> حالت و روشی که شایسته پیروی است،<sup>۳</sup> می‌باشد. با توجه به معنایی که واژه‌شناسان لغت برای «اسوه» بیان کرده‌اند می‌توان گفت انسانی که واژه اسوه بر او صدق می‌کند باید دارای خصوصیت کلی زیر باشد:

- ۱- استقامت و شکیبایی
- ۲- هوشیاری و درایت
- ۳- اخلاص و توجه به خدا
- ۴- تسلط بر حوادث
- ۵- روحیه‌ای خستگی ناپذیر
- ۶- زانو نزدن در برابر سختی‌ها
- ۷- پناه‌گاه مردم بودن و ...<sup>۴</sup>.

### «اسوه» در قرآن

واژه اسوه در قرآن سه بار آمده است:

الف: خطاب به پیامبر ﷺ

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>۵</sup>: «بی‌گمان فرستاده خداوند برای شما نمونه‌ای نیکوست. برای آن کس (از شما) که به خداوند و به روز باز پسین امیدوار و خداوند را بسیار یاد می‌کند»

ب: خطاب به حضرت ابراهیم علیهِ السَّلَام

۱- ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ﴾<sup>۶</sup>: «بی‌گمان برای شما ابراهیم و همراهان وی نمونه‌ای نیکویند...»<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup>. همان، ص ۱۴۷.

<sup>۲</sup>. فیروز آبادی؛ قاموس المحيط، به کوشش محمد عبد الرحمن المرعشی، ج ۲، ص ۱۶۵۴.

<sup>۳</sup>. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۹۰-۹۱.

<sup>۴</sup>. ر.ک: جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴۳.

<sup>۵</sup>. احزاب/۲۱.

<sup>۶</sup>. ممتحنه/۴.

<sup>۷</sup>. در ترجمه آیات مبارکه از ترجمه دکتر سید علی موسوی گرما رودی استفاده شده است.

۲- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ مَنْ يُتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»<sup>۱</sup>: «بی گمان برای شما آنان نمونه‌ای نیکویند، برای هر کس که به خدا و روز باز پسین امید ورزید و هر که روی بگرداند بداند خداوند است که بی نیاز ستوده است.»

### واژه‌های مرتبط با اسوه

این واژه‌ها عبارتند از: «اقتدا»، «شهادت»، «مثل»<sup>۲</sup>، «امام»<sup>۳</sup>.

۱- اقتدا: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرًا لِلْعَالَمِينَ»<sup>۴</sup>: «آنان کسانی هستند که خداوند راهنمایی‌شان کرده است پس، از رهنمود آنان پیروی کن! بگو من برای آن (پیامبری) از شما پاداش نمی‌خواهم، جز یاد کردن برای جهانیان نیست»

خداوند در این آیه پس از نام بردن از چند پیامبر و برشماری صفات و ویژگی‌های آنان، به رسول گرامی خویش می‌فرماید به هدایت آنان اقتدا کن.

۲- امام: این واژه در مورد حضرت ابراهیم عليه السلام و انبیا به کار رفته و به پیشوا بودن آنها اشاره دارد.

الف- «وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»<sup>۵</sup>: «و (یاد کن) آن گاه را که پروردگار ابراهیم، او را با کلماتی آزمود و او آنها را به انجام رسانید؛ فرمود: من تو را پیشوای مردم می‌گمارم. (ابراهیم) گفت: و از فرزندانم (چه کسی را)؟ فرمود: پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد.»

ب- «وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»<sup>۶</sup>: «و آنان را پیشوایانی کردیم که به فرمان ما راهبری

۱. ممتحنه/۶، (ترجمه آیه الله مکارم شیرازی).

۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ فرهنگ قرآن، ج ۳، ص ۳۶۲.

۳. دایرة المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۳۲۳.

۴. انعام/۹۰.

۵. بقره/۱۲۴.

۶. انبیا/۷۳.





می کردند و به آنها انجام کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستندگان ما بودند.»

۳- شهید: به یک معنی بر الگو اطلاق شده است، چنان که معنای دیگر آن گواه است.<sup>۱</sup>

الف: ﴿وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَ...﴾<sup>۲</sup>: «و بدین گونه شما را امتی میانه کرده ایم تا گواه بر مردم باشید و پیامبر بر شما گواه باشد...»

ب: ﴿وَ يَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ جِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى هَؤُلَاءِ...﴾<sup>۳</sup>: «و (یاد کن) روزی را که هر امتی گواهی از خودشان بر آنان برانگیزیم تو را بر اینان گواه آوریم و بر تو این کتاب را فرو فرستادیم که بیان گر هر چیز و رهنمود و بخشایش و نوید بخش برای مسلمانان است.»

۴- مثل: ﴿وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ...﴾<sup>۴</sup>: «و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را مثل زد...»

### ضرورت ارائه الگو از منظر قرآن

آیات فراوانی از قرآن کریم دلالت بر ضرورت ارائه الگو می کنند که به عنوان نمونه به چند آیه اشاره می کنیم:

الف: دنیای مادی، دنیایی پر از مانع و سختی است چنان که قرآن کریم می فرماید: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾<sup>۵</sup>: «که بی گمان انسان را در رنج آفریده ایم»  
﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا فَمَلَأْ قَبْضَكَ﴾<sup>۶</sup>: «ای انسان! بی گمان تو به سوی پروردگارت سخت کوشنده ای، پس به لقای او خواهی رسید.»

از این رو برای رسیدن به آرامش و تقویت روحیه تلاش و کوشش، تکیه گاهی مناسب به عنوان الگو ضروری خواهد بود.

۱. جوادی آملی؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۶، ص ۱۱۱.

۲. بقره/۱۴۳.

۳. نحل/۸۹.

۴. تحریم/۱۱.

۵. بلد/۴.

۶. انشقاق/۶.

ب: خداوند سبحان هدایت انسان‌ها و ارائه راه راست را به آنان بر عهده گرفته است. از این رو معرفی الگوی هدایت شده و راهنمای راه یافته می‌تواند از عوامل موثر در جهت هدایت انسان به شمار آید. آیاتی نیز در قرآن با این مناسبت گفته شده است.

– «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ»: <sup>۱</sup> «بی‌گمان آنچه بر ما مقرر است رهنمود است»

– «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ»: <sup>۲</sup> «و (راهنمایی به) راه راست با خداوند است...».

ج: دیگر مواردی که قبلاً نیز بدان اشاره شد، تأثیر پذیری انسان از الگوی می‌باشد. قرآن کریم پشیمانی حسرت‌بار گروهی از ستمکاران را از عدم همراهی با پیامبر ﷺ و از دوستی با انسان‌های ناشایست متذکر می‌شود. از نظر تربیتی نیز ارائه الگو و روش‌های عملی، اثر بخش‌تر از سخنان زیباست. بنگرید:

الف: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّخِذُوا مَعَ الرُّسُولِ سَبِيلًا»: <sup>۳</sup> «... ای کاش راهی با پیامبر در پیش می‌گرفتیم!»

ب: «يَا وَيَلَّتْ لِيَتْنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا»: <sup>۴</sup> «ای وای! کاش فلانی را به دوستی نمی‌گرفتیم»

### بایستگی الگو از زبان الگوهای کامل انسانی

ضرورت الگو در منظر پیشوایان راستین جایگاهی ویژه دارد. آنها که به مقام سترگ الگوهای دینی شناخت داشته باشند، سخنان گهر بار این قله‌های رستگاری را به عنوان قانون زندگی در عمیق‌ترین لایه‌های وجودشان ساری خواهند کرد. به گفته امیر خسرو دهلوی:

چشمم به تو افتاد و وجودم همه حک شد

هر چیز که در کان نمک رفت نمک شد

برای نزدیک شدن به آن اسوه‌های رستگاری باید تلاش کنیم.



<sup>۱</sup> لیل/۱۲.

<sup>۲</sup> نحل/۹.

<sup>۳</sup> فرقان/۲۷.

<sup>۴</sup> فرقان/۲۸.



از امام سجاده علیه السلام روایت شده است: «هَلِكُ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَكِيمٌ يَرشُدُهُ»<sup>۱</sup>: «آن کس که راهنمایی حکیم ندارد هلاک گردد»

از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده است: «كُلُّ مَنْ دَانَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بِعِبَادَةِ يَجْهَدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامٌ لَهُ مِنَ اللَّهِ فَسَعِيهِ غَيْرَ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحِيرٌ وَ اللَّهُ شَانِيٌّ لِأَعْمَالِهِ...»<sup>۲</sup>: «هر که برای عبادت خدای عزوجل خود را در زحمت اندازد؛ اما پیشوایی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او ناپذیرفته و خود او گمراه و سرگردان است و خدا اعمال او را دشمن دارد...»

اولین امام الگو، درباره آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله چنین می فرماید: «فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطِيبِ الْأَطْهَرِ فَإِنَّ فِيهِ أُسُوةً لِمَنْ تَأْسَى، وَ عِزَاءً لِمَنْ تَعَزَّى. وَ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأْسَى بِنَبِيِّهِ وَ الْمُقْتَصِّ لِأَثَرِهِ قَضَمَ الدُّنْيَا قَضْمًا وَ...»<sup>۳</sup>: «پس به پیامبر پاکیزه و پاکت اقتداکن، که راه و رسم او الگویی است برای الگو طلبان، مایه فخر و بزرگی است برای کسی که خواهان بزرگواری باشد و محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند و گام بر جایگاه قدم او نهد، پیامبر صلی الله علیه و آله از دنیا چندان نخورد که دهان را پر کند و به دنیا با گوشه چشم نگریست...»<sup>۴</sup>

امام علی علیه السلام بعد از بیان فضایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «فَتَأْسَى مُتَأْسَى بِنَبِيِّهِ وَ اقْتَصَّ أَثَرَهُ وَ وَلَجَ مَوْلَجِهِ، وَ الْأَفْلَا يُأْمَنُ الْهَلَكَةَ...»<sup>۵</sup>: «پس پیروی کننده باید از پیامبر پیروی کنند، و به دنبال او راه رود، و قدم بر جای قدم او بگذارد، و گرنه از هلاکت ایمن نمی باشد...»<sup>۶</sup>

نکته نیکو این جاست که پیروی از الگوهای الهی با خود پسندی و خود کامگی و به عبارتی «گوئیسم»<sup>۷</sup> تفاوت دارد؛ چرا که مبنای زمامداران و فرمانروایان، خود پسندی خودخواهی است. چنان که نخستین پیشوای شیعیان می فرماید: «وَ إِنْ مِنْ

۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰، ترجمه محمد دشتی، ص ۳۰۰، فراز ۲۳.

۴. همان، ص ۳۰۱.

۵. همان، ص ۳۰۲.

۶. همان، ص ۳۰۳.

۷. نوعی تفکر اگوئیسم، Egoism (خود پسندی، خود کامگی).

أَسْخَفَ حَالَاتِ الْوَلَاةِ عِنْدَ صَالِحِ النَّاسِ، أَنْ يَظُنَّ بِهِمْ حُبَّ الْفَخْرِ وَ يَوْضِعَ أَمْرَهُمْ عَلَى الْكِبَرِ. وَ قَدْ كَرَمْتَ أَنْ يَكُونَ جَالٌ فِي ظَنِّكُمْ أَنْيَ أَحَبَّ الْإِطْرَاءِ وَ اسْتِمَاعِ الثَّنَاءِ...»<sup>۱</sup>  
«مردم! از پست‌ترین حالات زمامداران در نزد صالحان این است که گمان برند آنها دوستدار ستایش‌اند، و کشورداری آنان بر کبر و خود‌پسندی استوار باشد. و خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن هستم.»<sup>۲</sup>

و به راستی که سیره عملی پیامبر «اعظم» در تاریخ می‌درخشد؛ چه در مهربانی‌اش، چه در خضوع و خشوعش. تا جایی که دشمنانش هم او را می‌ستایند؛ همو که بهترین امین عرب بود. و این دریای فضیلت جان‌های مشرکین را نیز به لرزه در می‌آورد.

### تأثیر پذیری انسان از دیدگاه روان‌شناسان

روان‌شناسان در مورد کنش‌پذیری انسان، نظرات مختلفی را ارائه داده‌اند که می‌توان آنها را به سه دسته کلی تقسیم کرد.

الف- نظریه مک دو گال: او بر این باور است که رفتار انسان را غرایز ثابت و درون‌زا شکل می‌دهد؛ بنابراین تأثیرات محیطی چندان اثری ندارد.

ب- نظریه «اسکینر» و «بندورا»: این دو بر تأثیر‌پذیری رفتار آدمی در جریان رشد اصرار می‌ورزیدند و بر این باور بودند که مرد بزرگسال اساساً محصول خویش است. در نظر آنها یادگیری مهم‌ترین عامل رشد و تغییر رفتار انسان است.

ج- نظریه «ژان پیاژه» و «وریز»: این دو نظریه بینابینی دارند و مانند دو نظریه قبلی، دارای افراط و تفریط نیستند. آنها در جریان رشد انسان، محیط را مهم و اساسی می‌پندارند اما تأثیر محیط را تنها در محدوده توانایی‌ها فردی می‌دانند.<sup>۳</sup>

قرآن کریم انسان را موجودی شایسته معرفی می‌کند که با بهره‌گیری از استعداد طبیعی خود و پیروی از انسان‌های هادی و پیامبران می‌تواند به سعادت واقعی دست یابد و به قدر تشنگی خود از دریای معارف الهی بهره‌گیرد و رشد کند.

۱. همان، ص ۴۴۴.

۲. همان، ص ۴۴۵.

۳. ر.ک: عباس مقدم، مصطفی؛ نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت.





## الگوی نیکو، رهیافتی به سوی جامعه قرآنی

جامعه شناسان و اندیشمندان بشری از دیر باز دربارهٔ جامعه آرمانی و امکان آن سخن گفته و ویژگی‌هایی را برای آن برشمرده‌اند. افلاطون نخستین طرح مدینه فاضله را در کتاب معروف «جمهوریت» ارائه کرده و درباره ساختار و صفات «اتوییا» شهر خیالی یا مدینه فاضله نکاتی بیان کرده است.

«آگوستین قدیس» با عنوان شهر خدا، «توماس مورا» به عنوان «لامکان»، «فرنسیس بیکن» به عنوان «آتلانتیس نو» و کامپانلا به عنوان «شهر آفتاب» از این اتوییا یاد کرده‌اند.

در بین دانشمندان اسلامی نیز کسانی مانند «ابوالحسن عامری» در کتاب «السعادة الاسعاد» و نظامی گنجه‌ای در «اسکندر نامه» موضوع جامعه الگو را به گفت‌گو کشانده‌اند که فارابی از همه بیشتر به این بحث پرداخته است. فارابی و افلاطون توجهی ویژه به عدالت و تعاون دارند و راه رسیدن به جامعه آرمانی را تعاون می‌دانند؛ در صورتی که برخی از دانشمندان مانند «کارل پوپر» رسیدن به جامعه آرمانی را خیال پردازی می‌دانند.<sup>۱</sup>

اما قرآن کریم که برنامه زندگی فردی و اجتماعی انسان‌هاست نه تنها جامعه مطلوب را آرمان‌گرا نمی‌داند؛ بلکه آن‌را وعده نیز داده است که در آینده تحقق خواهد یافت و نوید به آینده‌ای روشن دارد و در سایه پیروی از «اسوة حسنه» می‌توان به آن دست یافت:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾<sup>۲</sup> «خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته کرده‌اند وعده داده است که آنان را به یقین در زمین جانشین می‌گرداند- چنان‌که کسانی پیش از آنها را جانشین گردانید- و بی‌گمان دینی را که برای آنان پسندیده است برای آنها استوار می‌دارد و

۱. مصباح یزدی، محمد تقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۱-۴۱۲. به نقل از: نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت، مصطفی عباسی مقدم ص ۳۰۵-۳۰۷.

۲. نور، ۵۵.



(حال) آنان را از پس هراس به آرامش بر می گرداند؛ (آنان) مرا می پرستند و چیزی را شریک من نمی گردانند و کسانی که پس از این کفر ورزند نافرمانند.

### انگاره کلی آیه «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة»

حال که با واژه «اسوه» آشنا شدیم برای تبیین این آیه شریفه به انگاره‌ای کلی از آن می پردازیم. در این آیه شریفه پیامبر «اسوه» است. اما سؤال در این است که ایشان برای چه کسانی اسوه‌اند؟ به طور کلی کسانی که اسوه‌شان رسول الله هست دارای سه ویژگی هستند:

۱- امید به خدا دارند.

۲- امید به روز قیامت دارند.

۳- خدا را بسیار ذکر می کنند.<sup>۱</sup>

اسوه در مورد رسول خدا ﷺ عبارت است از پیروی او، و اگر خداوند به «لکم فی رسول الله» تعبیر کرده است برای جاودانگی و استمرار این پیروی است و برای این است که اشاره کند این وظیفه همیشه ثابت است، و شما همیشه باید به آن جناب تأسی کنید.

در اینکه منظور از اسوه آیا صفات پیامبر ﷺ است یا خود پیامبر، دو قول بیان شده که علامه طباطبائی قول دوم (یعنی خود حضرت اسوه است نه فقط صفات ایشان) را می پذیرد.<sup>۲</sup>

### مقایسه الگو بودن پیامبر با سایر پیامبران

پیروی بی چون و چرا از پیامبر اکرم ﷺ آنقدر مهم است که در هیچ یک از آیات شریفه‌ای که ضرورت اطاعت از پیامبر را بیان می کند تقییدی صورت نگرفته است؛ بلکه اطاعت از رسول الله به صورت مطلق ذکر شده است. این امر، نشانه عصمت مطلق پیامبر است؛ چرا که در شأن او خدا فرموده: ﴿و ما ينطق عن الهوى﴾<sup>۳</sup> و از سر هوس سخن نمی گوید. و همین اطاعت است که خداوند نیز دوست می دارد که



۱. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ۲۴۳/۱۷.

۲. طباطبائی، سید محمد حسین؛ المیزان ۴۳۲/۱۷، ترجمه سید محمد باقر موسوی.

۳. نجم، ۳.



فرمود: «قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله». «بگو اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.»

اگر با دقت بیشتری به آیه شریفه «لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة» بنگریم، می بینیم پیامبر ﷺ در این آیه به عنوان اسوة حسنه، به صورت مطلق معرفی شده است در صورتی که پس از معرفی حضرت ابراهیم عليه السلام به عنوان اسوة حسنه مؤمنان، استغفار ایشان برای پدر خود (آزر) استثنا شده است.<sup>۱</sup>

«قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ...»<sup>۲</sup> «بی گمان برای شما ابراهیم و همراهان وی نمونه ای نیکویند... جز (این) گفتار ابراهیم که به پدرش گفت: برای تو از خداوند آمرزش خواهم خواست...»

به همین دلیل، پیروی از پیامبر در تمامی صفات خلقی و خلقی بدون قید صورت می گیرد.

### حکم الگوگیری از پیامبر

۱۴۹

پیروی از پیامبر، هم نیکوست و هم جایز؛ مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن آورده شود و این آیه، دلیل بر وجوب اقتدا به پیامبر ﷺ در فعلش نیست و وجوب از دلیل دیگری برداشت می شود.<sup>۳</sup> اختلاف است که پیروی از آیه «ولقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة» آیا به نحو وجوب است یا استحباب که دو قول مطرح شده است: الف- اصل اولیه در آن این است که پیروی واجب است مگر اینکه دلیلی بر استحباب باشد؛

ب- اصل اولیه در آن ارشادی بودن آن و استحباب است مگر اینکه دلیلی بر وجوب آورده شود. شاید هم این گونه باشد که در امور دین واجب باشد و در امور دنیا مستحب.

### چگونگی اطاعت از پیامبر

<sup>۱</sup> برای توضیح بیشتر، ر.ک: محمد ابن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن ۵۸۰/۹.

<sup>۲</sup> ممتحنه، ۴.

<sup>۳</sup> طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن ۳۲۸/۸.

آیه کریمه ﴿لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة﴾ اصلی بزرگ در اطاعت از پیامبر و پیروی از او در پیروی از گفتار، کردار و احوال ایشان است. خداوند در روز احزاب امر کرد که پیامبر ﷺ را الگو قرار دهید، همو که در سختی‌ها و بلاها صبر پیشه می‌کند. در جنگ‌ها تلاش می‌کند و انتظار فرج و گشایش را از پروردگارش دارد. خداوند به خاطر کسانی که سستی می‌ورزند، دلتنگ می‌شدند و پاهایشان می‌لرزید، این آیه را نازل کرد تا با اشاره به پیروی از این الگو - که در افق بالایی قرار داشت - دل‌هاشان آرام گیرد.<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ در جنگ احزاب سرش شکست و عمویش حمزه به شهادت رسید؛<sup>۲</sup> اما او به جای نفرین بر مشرکان چنین دعا کرد: «اللهم إهد قومی فانهم لا یعلمون»<sup>۳</sup>

هر چند نبوت و رسالت، موهبتی خاص است؛ ولی نمی‌توان آن را به ارث برد. اما راه ولی‌الله شدن تا قیامت باز است. راه ولایت همان عبودیت و بهترین فرصت برای کسب عبودیت، نماز شب و سحرخیزی است. منظور از پیروی پیامبر، هم در اصل عبادت و مناسک است و هم در کیفیت آن. بنابراین ملاک، تنها پیروی از ظواهر نیست؛ بلکه پیامبر در سیر باطنی نیز الگوست. خداوند فقط نمی‌گوید: ﴿او لم یظنوا فی ملکوت السموات و الارض﴾<sup>۴</sup>

و چرا ملکوتی نمی‌شوید؟ ولی الگوی ملکوتی شدن را به ما ارائه نمی‌دهد؛ بلکه خدا می‌گوید: پیامبر ﷺ انسانی ملکوتی است، اگر راه اهلش را طی کنید ملکوتی خواهید شد.<sup>۵</sup>

### نوشتن به اندازه تشنگی

باری، پیامبر اقیانوسی از آب گوارا است که تشنه از آن می‌نوشد. روشن است که هرکس به قدر تشنگی خود از این اقیانوس عظیم خواهد نوشید، به اندازه‌ای که ظرفیت و قابلیت دارد. عارف از آیه ﴿لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة﴾

۱. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ۴/۸۳۳؛ الجدید فی تفسیر القرآن المجید ۷/۲۹۷.

۲. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن ۸/۳۲۸.

۳. قمی، شیخ عباس، کحل البصر، ترجمه محمد محمدی اشتهاردی، ص ۱۴۴.

۴. اعراف، ۱۸۵.

۵. برای توضیح بیشتر، ر.ک: جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی ۹/۷۸.





معنایی گسترده برداشت می‌کند که حکیم نمی‌تواند آن را بفهمد از آن طرف، باریک اندیشی حکیم را اهل علوم نمی‌فهمند. متکلم از آیه، پرتوی را می‌بیند که محدث از دیدن آن ناتوان است. «الناس معادن کمعادن الذهب و الفضة»<sup>۱</sup> درجات بهشت هم به عدد آیه‌های قرآن کریم است و هر آیه طبق گفته امام سجاده علیه السلام مخزنی از مخازن علوم الهی است که اگر پوشش هر مخزن برداشته شود، برداشت‌های بی‌شماری نصیب برداشت‌کننده خواهد شد. به خاطر همین است که به اهل قرآن در بهشت گفته می‌شود: بخوان و بالا برو! یعنی هر اندازه به قرآن شناخت پیدا کردی و به آن عمل کردی یکی پس از دیگری به صورت درجه بهشت ظهور می‌کند و عاید خود شخص می‌شود.<sup>۲</sup>

### الگوهای حسنه پیشنهادی قرآن کریم

قرآن عزیز نه تنها قانون الگو را بیان می‌کند؛ بلکه علاوه بر ضرورت آن برای تبیین بهتر الگوهای را مثال می‌زند. در این جا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

۱. آسیه، همسر فرعون (تحریم ۱۱/۶۶)؛
۲. ابراهیم، اسوه‌ای پسندیده برای مؤمنان (ممتحنه ۶/۶۰-۴/۶، انعام ۶/۸۳-۹۰)؛
۳. اسحاق، پیامبری شاخص و اسوه برای اقتدا (انعام ۶/۸۴-۹۰)؛
۴. اسماعیل، پیامبری اسوه برای هدایت (انعام ۶/۸۵-۹۰)؛
۵. الیاس، پیامبری اسوه برای هدایت (انعام ۶/۸۵-۹۰)؛
۶. الیسع، شخصیتی برجسته و اسوه هدایت (انعام ۶/۸۶-۹۰)؛
۷. امت اسلام به عنوان امتی میانه‌رو و اسوه‌ای برای مردم (بقره ۲/۱۴۳)؛
۸. انبیای اولوالعزم، اسوه شکیبایی برای پیامبر صلی الله علیه و آله (احقاف ۴۶/۳۵)؛
۹. اهل بیت پیامبر (علیهم السلام)، انسان‌هایی معتدل و شاهدانی برای راستی و درستی.<sup>۳</sup>

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار ۱۲۲/۶۷، ح ۲۴.

۲. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم، ۵۲/۹.

۳. برای توضیح بیشتر ر.ک: هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن ۳/ص ۳۶۷-۳۶۲.

## سبک شناسی پیامبر

اکنون که دانستیم پیامبر به عنوان بهترین سرمشق و الگو برای رسیدن به سعادت است، اجمالاً به سیر رفتاری ایشان می‌پردازیم. سیره از ماده «سیر» یعنی حرکت، رفتن و راه رفتن است.<sup>۱</sup> «سیره» یعنی نوع راه رفتن مانند جَلَسَهُ یعنی نوع و سبک نشستن. وقتی از سیره پیامبر اکرم ﷺ سخن به میان می‌آوریم منظورمان رفتار حضرت نیست؛ بلکه سبک رفتار آن حضرت است یعنی همان‌طور که مثلاً یک هنرمند سبک مخصوص به خودش را دارد، پیامبر نیز در شیوه زندگی کردن و... سبک مخصوص به خود را دارد، سبکی که بر محور رضایت و خشنودی خداست.

برای روشن شدن این موضوع به چند نمونه قرآنی اشاره می‌کنیم:

۱- سبک گذشت:

الف: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾<sup>۲</sup>: «گذشت را در پیش گیر و به نیکی فرمان ده و از نادانان روی بگردان.»

ب: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ﴾<sup>۳</sup>: «به راستی خداوند به دادگری و نیکی کردن و ادای «حق» خویشاوند فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و افسون‌جویی باز می‌دارد.»

ج: ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ﴾<sup>۴</sup>: «آنان را ببخشای و در گذر»

۲- سبک شکیبایی:

الف: ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ﴾<sup>۵</sup>: «و در آنچه بر سرت می‌آید شکیب کن.»

ب: ﴿ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾<sup>۶</sup>: «به بهترین شیوه (دیگران) را از چالش با خود باز دار.»

۱. ر.ک: شهید مطهری، مرتضی، سیره نبوی، ص ۴۵-۵۴.

۲. اعراف/۱۹۹.

۳. نحل/۹۰.

۴. مائده/۱۳.

۵. لقمان/۱۷.

۶. فصلت/۳۴.



اینها تنها نمونه‌ای از سبک‌های نیک پیامبر در مواجهه با پیشامدهای مختلف بودند. به حقیقت که رسول اعظم ﷺ دارای خلقی عظیم بوده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»<sup>۱</sup>: «و به راستی تو را خوبی است سترگ»

### نتیجه

هر چند تبیینی که از آیه شریفه: «لقد کان لکم...» بسیار اجمالی بود؛ اما به طور کلی می‌توان راهبرد کلانی را در جهت رسیدن به جامعه آرمانی و در افقی گسترده‌تر یعنی جهانی خدایی عرضه داشت. جهانی آرام که عدالت و مهرورزی در جوامع آن موج بزند و بر محور «الله» حرکت کند. اینک در پایان به چند راهبرد اساسی اشاره می‌کنیم:

۱. انسان‌ها برای رسیدن به جامعه‌ای آرام باید از الگوهای الهی و قرآنی بهره گیرند؛
۲. بهترین و کامل‌ترین الگو از نظر قرآن، پیامبر ﷺ می‌باشد که در تمام زمینه‌های زندگی می‌تواند الگویی برای رسیدن به «مدینه فاضله» باشد؛
۳. برای رسیدن به جایگاه انسان کامل و تحقق مقام «خلیفة اللہی» بشریت باید به پیامبر ﷺ و اهل بیتش (علیهم‌السلام) تمسک جویند.
۴. هر چند نمی‌توان به مقام نبوت دست یافت؛ اما با پیروی از سیره پیامبر و سبک ایشان در چگونه زندگی کردن، می‌توان به مقام بالای انسان کامل و یا دست کم به بعضی درجه‌های آن دست یافت.
۵. از آنجا که جوامع غربی فاقد الگو بوده‌اند؛ بنابراین برای رهایی از تاریکی‌ها چاره‌ای ندارند جز اینکه از الگوهای الهی و قرآنی که از چند و چون انسان آگاه هستند پیروی کنند.

### منابع

- ۱- قرآن کریم (با استفاده از ترجمه دکتر سید علی موسوی گرمارودی).
- ۲- امام خمینی (قدس سره)، محرم راز.
- ۳- لغت‌نامه دهخدا، حرف الف.
- ۴- صافی محمود؛ اعراب القرآن و صرفه و بیان، قم: انتشارات مدین، ۱۴۱۲ق.

<sup>۱</sup>. قلم/۴.



- ۵- طباطبایی سید محمد حسین؛ المیزان، (ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی) دفتر انتشارات قم: ۱۳۶۷ش.
- ۶- جمعی از نویسندگان؛ تفسیر نمونه؛ تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
- ۷- ابن فارس، احمد؛ معجم مقاییس اللغة؛ به کوشش عبد السلام محمد هارون، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۸- ابن منظور، لسان العرب، به کوشش علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ق.
- ۹- فیروز آبادی، قاموس المحيط، به کوشش عبد الرحمن المرعشی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۷ق.
- ۱۰- مصطفوی حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴ش.
- ۱۱- هاشمی رفسنجانی، اکبر؛ فرهنگ قرآن؛ قم: مرکز فرهنگ و معارف قرآن ۱۳۸۳ش.
- ۱۲- دایرة المعارف قرآن کریم، مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، قم: ۱۳۸۲.
- ۱۳- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۳.
- ۱۴- شهید مطهری، مرتضی؛ سیره نبوی؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۷ش.
- ۱۵- عباسی مقدم، نقش اسوه‌ها در تبلیغ و تربیت؛ چاپ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱ش.
- ۱۶- ابن کثیر؛ تفسیر القرآن العظیم؛ بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۰۹ق.
- ۱۷- الجدید فی التفسیر القرآن المجید، بیروت، دارالتعارف المطبوعات، ۱۴۰۶ق.
- ۱۸- طوسی، ابی جعفر محمد ابن حسن؛ التبیان فی التفسیر القرآن؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۱۹- قمی، شیخ عباس، کحل البصر؛ ترجمه محمد محمدی اشتهاری، قم: ناصر، ۱۳۷۰ش.
- ۲۰- جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر موضوعی؛ قم: اسراء، ۱۳۷۳ش.
- ۲۱- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ به نقل از سیره نبوی (منطق عملی) مصطفی رشاد تهرانی؛ سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۲- قرطبی، ابو عبدالله، الجامع لاحکام القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیة ۱۴۲۰.
- ۲۳- مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن؛ سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
- ۲۴- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات مشرقین، ۱۳۷۸ش.
- ۲۵- الکافی، به نقل از سیره نبوی (منطق عملی) مصطفی رشاد تهرانی؛ سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۶.

